



درس بیست و ششم

سوره انعام: آیات (۹۵ - ۹۹)

درس بیست و ششم
سوره انعام: آیات (۹۵ - ۹۹)

نکات مهم آیات:

۱. یکی از شگفتی‌های عالم آفرینش، شکافته شدن دانه و هسته در دل خاک است؛
۲. از دیگر شگفتی‌های جهان هستی عبارتند از: ۱. چگونگی صبح شدن؛ ۲. استقرار شب برای آرامش؛ ۳. استفاده از گردش ماه و خورشید برای حساب و کتاب انسان.

۳. از دیگر «تدابیر الهی»، قرار دادن ستارگان

برای راهیابی و راهنمایی است؛

۴. همه انسان‌ها از یک سرچشمه بوجود آمده و

تکثیر یافته‌اند؛

۵. خدا سلسله حضور انسان روی زمین را تدبیر

می‌کند؛ گروهی آمده‌اند و گروهی در صلب‌ها

هستند؛

۶. از شگفتی‌های دیگر جهان، رویش گیاهان و

میوه‌های متنوع از «آب و خاک واحد» است؛

۷. تنها کسانی می‌توانند از همه این شگفتی‌ها و

تدابیر الهی به خدا نزدیک شوند که اهل «دقت

نظر» باشند.

لغات درس بیست و ششم

فَالِقُ:	شکافنده	مُسْتَقَرُّ:	قرارگاه
الْحَبُّ:	دانه	مُسْتَوْدَعٌ:	محل امانتی
النَّوَى:	تخم، هسته	يَفْقَهُونَ:	می فهمند
أَنْى:	کجا، چگونه؟	نَبَات:	گیاه، رستی
تَوْفُكُون:	منحرف می شوید، برگردانیده می شوید	خَضِرًا:	جوانه، سبزی
الْإِصْبَاح:	صبح	حَبًّا:	دانه‌ای
سَكَنًا:	اطمینان، آرامش	مُتَرَاكِبًا:	برهم نشسته
حُسْبَانًا:	حساب و رسیدگی	النَّخْل:	درخت خرما
تَقْدِيرُ:	اندازه گیری	طَلْعُهَا:	شکوفه درخت خرما
الْعَزِيزُ:	توانا، برتر	قِنْوَانُ:	خوشه‌هایی
النُّجُومُ:	ستارگان	دَانِيَةً:	نزدیک
لِتَهْتَدُوا:	تا هدایت شوید	أَعْنَاب:	انگورها
الْبَرُّ:	خشکی	الرُّمَّانُ:	انار
الْبَحْرُ:	دریا	مُشْتَبِهًا:	همانند
فَصَّلْنَا:	بیان کردیم	ثَمَرَهُ:	میوه
أَنْشَأَكُمُ:	شما را پدید آورد	يَنْعِهِ:	پختگی‌اش، رسیدنش

آیه ۹۵: إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ
 فَأَنْتَى تُؤَفِّكُونَ

ترجمه: خدا شکافنده دانه و هسته است، زنده را از
 مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد؛ چنین ست
 خدای شما، پس چگونه [از حق] منحرف می
 شوید؟!

تفسیر:

«فلق» به معنای شکاف است. پس از اینکه در آیه
 قبلی استقلال اسباب را در تأثیر نفی نمود و شفیع
 بودن ارباب‌هایی که آنها را شریکان خدا می-

دانستند، ابطال نمود، اینک در این آیه، کلام را به بیان این جهت منصرف کرد که این ارباب و هرچیز دیگری که انسان را از توجه به پروردگار خود باز می‌دارد، مخلوقات خدا و تحت تدبیر او هستند.^۱ مشرکان، علاوه بر این که خدا را خالق می‌دانستند، او را ربّ العالمین نیز می‌خواندند؛ ولی نقطه شرک آلود آنان اینجاست، که خدا را مربی و تدبیرکننده موجودات جزئی نمی‌دانستند و از این رو، بت‌ها را تدبیرگر این موجودات قلمداد می‌کردند و به همین دلیل در مسئله «ربوبیت» از حیثه «توحید» خارج شده و به وادی «شرک» روی می‌آوردند. این آیه شریفه درصدد است با بیان برخی از موجودات و

حوادث روی زمین، آنها را تحت ربوبیت خدا معرفی کند و «توحید ربوبی» را به شیوه «جدال احسن» به اثبات رساند.^۲

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ... مِنَ الْحَيِّ : این آیه به دو شگفتی در روی زمین اشاره دارد و آن: شکافته شدن دانه (مانند دانه گندم و جو) و شکافته شدن هسته (مانند هسته خرما و سیب) است. عبارت (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ)، تفسیر جمله (إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى) است؛ تا به این نکته ظریف پردازد که: شکافته شدن دانه و هسته، آن حیات نباتی آنهاست و این حیات، از آفتاب و خاک و آب به دست نمی آید، بلکه این خداست که حیات

نباتی را به آنها عطا می کند و موارد ذکر شده، فقط
علل معدّه می باشند.^۳

باید توجه داشت که مهم ترین لحظه، شکافتن دانه و
هسته است که به تعبیر قرآن (يُخْرِجُ الْحَيَّ...) لحظه
حیات و تولد و انتقال از یک عالم به عالم دیگر
محسوب می شود.^۴

خلاصه کلام این که: (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ) یعنی
خداوند از دانه و هسته جامد و مرده، گیاه زنده و
شاداب را بیرون می کشد و (وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ
الْحَيِّ) یعنی خداوند از درختان و گیاهان سرزنده،
دانه و هسته بیرون می دهد.^۵

۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۸۱.

۴. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۵.

۵. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۸۲.

نکته: روایاتی از اهل بیت به ما رسیده که علاوه بر حیات و مرگ مادی، حیات و مرگ معنوی از این آیه اراده شده است؛ به این معنی که افراد با ایمان از کافر (یعنی زنده از مرده) و انسان کافر از مؤمن (یعنی مرده از زنده) متولد می گردند.^۶

ذَلِكُمُ اللَّهُ فَاَنَّى تُؤْفَكُونَ : پس از آنکه خداوند خود را در صدر آیه معرفی کرد، اینک خطاب به مشرکان می فرماید: این است معبود واقعی شما (ذَلِكُمُ اللَّهُ)، نه بت هایی که هیچ کاری از دست شان ساخته نیست، پس چگونه است که از چنین خدای حیات بخشی روی می گردانید (فَاَنَّى تُؤْفَكُونَ). این

فراز از آیه، نشان از «مختار بودن انسان» است؛ زیرا هیچ کس به دلیل مجبور بودنش مؤاخذه نمی‌شود.^۷

□ آیه ۹۶: فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

ترجمه: [هموست که] شکافنده صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده؛ این، اندازه‌گیری آن توانای داناست.

تفسیر:

آیه قبل به دو شگفتی در روی زمین اشاره کرد و این آیه به سه نعمت شگفت انگیز در فضا می‌پردازد

که عبارتند از: ۱. شکافته شدن صبح؛ ۲. قراردادن شب برای آرامش؛ ۳. قراردادن خورشید و ماه برای حساب‌رسی در زندگی^۸

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ...سَكَنًا: خدای سبحان به آرامی، پرده سیاه شب را می‌شکافد و سپیده صبح را از دل آن بیرون می‌کشد، گویا صبح، که آغاز روز است، از تاریکی شب متولد شده است. آنگاه برای اینکه مردم تصور نکنند که تاریکی شب یک حادثه مذموم است، به نعمت بودن تاریکی شب هم اشاره کرده، می‌فرماید: خداوند شب را برای آرامش مقرر کرده است.^۹ امام باقر ع می‌فرماید: در شب

۸. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۸.

۹. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۸۶، ۳۸۸.

استراحت کن؛ که خداوند شب را برای آرامش قرار داده است.^{۱۰}

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا : از فواید آفرینش «خورشید و ماه»، محاسبه زمان و تعیین اوقات است که مردم به داد و ستد، قراردادهای و اعمال عبادی و اجتماعی و اقتصادی خود می پردازند.^{۱۱} البته می توان از این فراز چنین هم برداشت کنیم که: حرکت خورشید و ماه براساس حساب و کتاب و نظم صورت می گیرد.^{۱۲}

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ : با بیان این جمله می فهماند که خدای تعالی آن عزیز و مقتدری است که هیچ قدرتی بر قدرت او نمی تواند غالب شود تا کوچک -

۱۰. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۷.

۱۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۸۶.

۱۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۵۵.

ترین اثری در تباه ساختن تدبیر او داشته باشد، و نیز
 خدای تعالی آن دانایی است که به کوچک‌ترین
 چیزی از مصالح مملکت خود جاهل نیست تا مانند
 سایر کشورداران، نظام مملکتش دچار تباهی شده و
 دوام پیدا نکند.^{۱۳}

❖ آیه ۹۷: وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا
 فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 يَعْلَمُونَ

ترجمه: و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکی‌های خشکی و دریا راه یابید؛ به یقین ما دلایل [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده‌ایم.

تفسیر:

این آیه نیز به یکی دیگر از اتفاقاتی که «ربوبیت خدا» را بیان می‌کند، اشاره کرده است. خدا ستارگان را برای راهنمایی و راهیابی انسان (خلبانان، ملوانان، فضانوردان، صحرانوردان و...) در تاریکی صحرا و دریا قرارداده و امروزه نیز با پیشرفت‌های

علمی، بشر همچنان به هدایت ستارگان نیازمند است.^{۱۴}

منافع بی‌شمار ستارگان، همواره نصیب موجودات انسانی، حیوانی، نباتی و حتی جمادی شده و می‌شود؛ چه بدانیم و چه ندانیم.^{۱۵} در این میان این انسان است که می‌تواند از منافع اجرام سماوی برای سعادت زندگی دنیوی خود کمال بهره را ببرد.^{۱۶}

قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ : از آنجا که محتوای این آیه، مطالب تجربی و نیمه تجربی بود و توده مردم می‌توانند آن‌ها را درک کنند از عبارت (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) استفاده شده است؛ اما اگر مطالب علمی و

۱۴. تفسیر، ج ۲۶، ص ۳۹۳.

۱۵. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۹۹.

۱۶. المیزان، ج ۷، ص ۳۹۹.

تخصصی بود که نیاز به فهم عمیق داشت از عبارت
(لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) بهره می برد.^{۱۷}

□ آیه ۹۸: وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

ترجمه: و او همان کسی است که شما را از یک
تن پدید آورد، پس [برای شما] قرارگاه و محل
امانتی [مقرر کرد]. بی تردید ما آیات [خود] را
برای مردمی که می فهمند، به روشنی بیان کرده-
ایم.

تفسیر:

حالا نوبت بیان «چگونگی آفرینش انسان» است تا یکی دیگر از جلوه‌های «توحید ربوبی» آشکار گردد. خدای سبحان انسان‌ها را با نژادهای گوناگون و تفاوت‌های فراوان از حضرت آدم ع (مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ)، آفرید. اگر پیش از او آدمیان دیگری بوده‌اند، نسل آنان منقرض شده و انسان‌های کنونی هیچ گونه پیوندی با آن‌ها ندارند.^{۱۸}

مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ : مراد از « مُسْتَقَرٌّ » آن انسان‌هایی هستند که دوران سیر در اصلاّب را طی کرده و متولد شده و در زمین که قرارگاه نوع بشر است، مستقر گشته‌اند: (وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ و برای

شماست در زمین قرارگاهی).^{۱۹} مراد از «مُسْتَوْدَعٌ» آن انسان‌هایی هستند که هنوز به دنیا نیامده و در اصلاّب پدران به امانت نهاده شده‌اند. البته قرارگاه نهایی همه انسان‌ها، «قیامت» خواهد بود.^{۲۰}

تذکر: دو عبارت فوق، معانی دیگری هم دارند که منافاتی با هم ندارند: ۱. مستقر، یعنی روح و مستوع، یعنی جسم انسان؛ زیرا روح باقی است اما جسم از میان می‌رود؛ ۲. مستقر، یعنی انسان‌هایی که در ایمان‌شان پایدارند و مستودع، یعنی کسانی که در ایمان‌شان پایدار نیستند؛ ۳. مستقر، اشاره به تخمک زن است که حرکت آن‌چنانی ندارد و مستودع،

۱۹. المیزان، ج ۷، ص ۳۹۹.

۲۰. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۹۹.

اشاره به اسپرم مرد است که همواره در حرکت است تا به تخمک برسد.^{۲۱}

قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ : ما دلائل ربوبیت خود را برای آن‌ها که فهم دارند بیان می‌کنیم؛ زیرا این‌ها هستند که از دلائل قرآنی بهره کافی می‌برند.^{۲۲}

□ آیه ۹۹: وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ

۲۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۶۷، ۳۶۸.

۲۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۰۰.

مُتَشَابِهٍ اَنْظُرُوا اِلَى ثَمَرِهِ اِذَا اَثْمَرَ وَيَنْعِهِ اِنَّ فِيْ ذٰلِكُمْ
لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ

ترجمه: و اوست کسی که از آسمان آبی فرود
آورد، پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم
و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از
آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم، و از شکوفه
درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و
[نیز] باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر
همانند خارج نمودیم؛ به میوه آن چون ثمر دهد و
به [طرز] رسیدنش بنگرید، قطعاً در این‌ها برای
مردمی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هاست.

تفسیر:

در ادامه بر شمردن جلوه‌های «توحید ربوبی»، این آیه نیز انسان‌ها را از طریق دقت در اسرار شگفت‌انگیز نظام خلقت به جلوه‌هایی از قدرت و علم خدا فرا می‌خواند. در این آیه علاوه بر اینکه ادله‌ای است برخداشناسی، بیانی است از نعمت‌های خداوند تا شاید انسان‌های عنود و لجوج را به انصاف و انعطاف بکشاند و زمینه پذیرش ایمان آن‌ها را افزون‌تر کند. رویش هر گیاهی با آب انجام می‌شود که «سبب معدّ» است و اراده پروردگار «سبب مؤثر و فاعلی» است. از صحنه‌های شگفت‌انگیز جهان نباتات این است که از آب واحد و خاک ثابت، میوه‌ها و

گیاهان متنوع (از حیث رنگ، طعم، خاصیت، اندازه و...) می‌روید و این جز به اراده مربی آنها نیست.^{۲۳}

اَنْظُرُوا اِلٰی ثَمَرِهِ... لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ : عبارت (اَنْظُرُوا) از مردم درخواست می‌کند که تنها نظاره‌گر بودن کافی نیست، بلکه دقت لازم را هم باید اعمال کنند تا علم و قدرت پروردگار را از درون این آثار بیرون کشیده، به ربوبیت یگانه‌اش، ایمان آورند. این نظارت دقیق فقط به آخرین مرحله، یعنی میوه کامل و رسیده نیست، بلکه همه مراحل باید مد نظر باشد: نزول باران، شکافته شدن دانه و هسته، رویش شاخ و

برگ، جوانه زدن میوه، رسیدن و پخته شدن میوه و
تنوع در ظاهر و باطن میوه.^{۲۴}